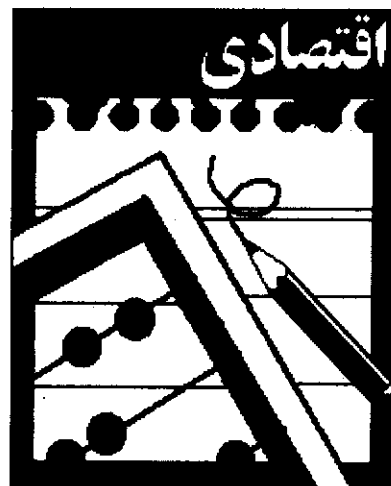


مالیات، توسعه و عدالت اجتماعی...



آقای مرتضی محمدخان وزیر امور اقتصادی و دارائی در آبان ماه سال جاری، در گردهمایی مسئولان و مدیران کل این وزارتخانه گفت:

«... حجم نقدینگی بخش خصوصی در طول برنامه اول از ۱۸ هزار میلیارد ریال به ۶۵ هزار میلیارد رسیده و میزان فعالیت بخش خصوصی در بخش کشاورزی ۹۰ درصد، در شبکه توزیع ۹۰ درصد و در بخش صنایع کشور بیش از ۲۲ درصد بوده است و دولت آمادگی دارد که روند واگذاری صنایع را ادامه دهد. با توجه به این حجم فعالیت، کل مالیات دریافتی در سال ۷۳ از بخشهای مختلف اقتصادی غیردولتی چه در قسمت شرکتهای و چه مشاغل و حقوق سالانه حدود ۵ هزار میلیارد ریال، یعنی ۵ درصد بودجه عمومی دولت بوده است که از این مقدار با وجود حدود سه میلیون پرونده شغلی، رقم پرداختی مشاغل تنها حدود ۶۰۰ میلیارد ریال یعنی فقط ۱۰ درصد کل وصولیهای مالیاتی کشور بوده است.»

اگر مراد وزیر امور اقتصادی و دارائی از بیان سخنان فوق این باشد که کل وصولی مالیات از بخش خصوصی فقط ۵ درصد بودجه عمومی دولت را تأمین می‌کند و این رقم شامل بودجه عمرانی نمی‌شود، ما با چنان رقم ناچیزی از سهم مالیات در بودجه کل کشور مواجه خواهیم بود که می‌توان گفت بود و نبود این مقدار وصولی مالیاتی در گردش کار دولت در خور اعتنا نیست، اما حتی اگر مقصود این باشد که مالیات وصول شده از بخش خصوصی با آن حجم عظیم نقدینگی فقط

۵ درصد از رقم بودجه کل کشور - اعم از جاری و عمرانی - را پوشش می‌دهد باز هم ما با واقعیتی مواجه هستیم که به یک شوخی بیشتر شباهت دارد تا با یک واقعیت در عالم اقتصاد. آن هم اقتصاد کشوری که هشت سال جنگ را پشت سر گذاشته و وارث یک اقتصاد نیمه ویران در صنعت، کشاورزی و خدمات بوده است.

متأسفانه این شوخی تکراری و کسالت آور جزئی از واقعیت‌های اقتصاد کشور ما شده است، و در جهانی که هزینه دولتها را مالیات دهندگان واقعی تأمین می‌کنند، در ایران مالیات آخرین و بی‌اهمیت‌ترین جایگاه را در ستون ارقام درآمد دولت دارد.

این شوخی وقتی کسالت آورتر می‌شود که بدانیم قسمت اعظم همین مبلغ مالیات را هم کسانی می‌پردازند که کمترین بهره را از منابع، ثروت‌ها و امکانات کشور می‌برند. در رأس این گروه از مالیات دهندگان نیز طبقه حقوق‌بگیر کشور قرار دارند که مجموع مالیات پرداختی ایشان گاهی ۶۸ درصد از درآمد دولت بابت مالیات بردارنده را تشکیل می‌دهد.

اگر منبع آمار را ذکر نکنیم شاید ارقام زیر نوعی هذیان نویسی تلقی شود. ولی واقعیت این است که به موجب آمارهای مندرج در کتاب عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نسبت درآمد دولت از محل مالیات اخذ شده بابت حقوق و دستمزد در مجموع مالیات بردارنده وصول شده به قرار زیر است:

سال ۱۳۶۲ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۹۰۳۴۷ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۵۸۶۵۹ میلیون ریال (نسبت ۶۴/۹٪)

سال ۱۳۶۳ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۱۰۵۹۰۷ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۷۲۸۶۰ میلیون ریال (نسبت ۶۸/۷٪)

سال ۱۳۶۴ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۱۳۶۲۲۸ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۸۶۵۹۰ میلیون ریال (نسبت ۶۳/۵٪)

سال ۱۳۶۵ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۱۶۳۵۲۰ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۹۳۱۵۱ میلیون ریال (نسبت ۵۶/۹٪)

سال ۱۳۶۶ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۱۶۶۴۳۲ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۷۰۷۹۴ میلیون ریال (نسبت ۴۲/۵٪)

سال ۱۳۶۷ - جمع مالیات بردارنده وصول شده

۱۷۱۶۷۹ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۶۹۷۲۹ میلیون ریال (نسبت ۴۰/۶٪)

سال ۱۳۶۸ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۲۲۳۳۸۸ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۸۸۷۶ میلیون ریال (نسبت ۳۹/۷٪)

سال ۱۳۶۹ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۳۰۹۱۸۷ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۱۲۶۷۵۵ میلیون ریال (نسبت ۴۰/۹٪)

سال ۱۳۷۰ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۴۸۲۷۷۵ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۲۲۹۵۰۷ میلیون ریال (نسبت ۴۷/۵٪)

سال ۱۳۷۱ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۵۴۶۶۹۸ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۲۱۱۸۱۶ میلیون ریال (نسبت ۳۸/۷٪)

سال ۱۳۷۲ - جمع مالیات بردارنده وصول شده ۷۶۶۰۰۰ میلیون ریال، مالیات بر حقوق ۳۳۸۵۰۰ میلیون ریال (نسبت ۴۴/۱٪)

مالیات مضاعف x مالیات مضاعف

دولت، البته همراه درآمد مالیاتی دیگری دارد؛ مثل مالیات بر ثروت، مالیات بر واردات، مالیات بر مصرف و فروش، مالیات بر ارث، مالیات بر نقل و انتقالات، مالیات بر فرآورده‌های نفتی، مالیات بر نوشابه‌های غیرالکلی، مالیات بر اتومبیل، مالیات بر سیگار، مالیات بر حق اشتراک تلفنهای خودکار و... و یک درصد از فروش برای شهرداریها و ۲ درصد از فروش برای آموزش و پرورش و غیره و غیره

اگر بر فهرست این مالیات‌ها دقیق شویم درمی‌یابیم همان کسانی که مالیات حقوق ایشان گاه ۶۸ درصد از وصولی دولت را بابت مالیات بردارنده تأمین می‌کنند انواع مختلفی از مالیات را هم بطور غیرمنتظره می‌پردازند؛ مثلاً کسی که یک جفت کفش، با یک دست لباس می‌خرد یک درصد بهای آن را دودستی تقدیم شهرداری می‌کند و دو درصد را هم به آموزش و پرورش می‌پردازد. او یک نوشابه می‌خرد و نمی‌داند بابت آن حداقل در دو جای دیگر (غیر از شهرداری و آموزش و پرورش) بابت آن مالیات پرداخته است: یکی مالیات بر واردات مواد اولیه مصرفی نوشابه و دیگری مالیات ویژه نوشابه‌های غیرالکلی.

در پرداخت این قبیل مالیات‌ها غالباً فرقی بین فقیر و غنی نیست. همه اقشار این نوع مالیات‌ها را یکسان

می‌پردازند. اما فاصله بین درآمدهای آنان رقمی است زیر عدد یک و بالای عدد ۹۹.

تفاوت در پرداخت مالیات در آن جانی مشخص می‌شود که دولت بتواند از کسانی که بالای عدد یک درآمد دارند، بطور تصاعدی مالیات بگیرد. ولی آیا می‌گیرد؟ و یا می‌تواند بگیرد؟

مقایسه‌ای بین مالیات بردارآمد و مالیات بر ثروت به این پرسش پاسخ می‌دهد. وصولی‌های دولت را بابت مالیات بردارآمد و مالیات بر ثروت ذیلاً می‌خوانیم. رقم اول مالیات بردارآمد و رقم دوم مالیات بر ثروت است:

روند رشد وصولی مالیاتهای شق اول (مستقیم و غیرمستقیم که البته مالیات بر ثروت نیز در آن ملحوظ است) در سال ۶۳ نسبت به سال ۶۲ به میزان ۱۱/۴ درصد بوده است. این رشد در سالهای بعد (در مقایسه با سال قبل) و تا سال ۱۳۷۱ به ترتیب از این قرار است: ۳/۱ درصد - ۰/۸۸ درصد - ۰/۶ درصد - ۴/۳ درصد - ۱۷/۰۵ درصد - ۳۰ درصد - ۳۹ درصد و ۲۷ درصد.

رشد درآمد وصول مالیات بر ثروت (به تنهایی) در سال ۶۳ نسبت به سال ۶۲ معادل ۱۹ درصد بوده که در سالهای بعد به این ترتیب ادامه یافته است: ۱۵ درصد - ۱۷

کسانی که بیشترین درآمدها را از طریق فعالیت در اقتصاد سایه به جیب می‌زنند، کمترین مالیات را می‌پردازند.

سال	۱۳۶۲	۹۰۳۵	میلیارد ریال	۳۳۳۴	میلیارد ریال
۱۳۶۳	۱۰۵۹۱	۱۴۱۴	۱۳۶۴	۳۵۷۲	
۱۳۶۵	۱۶۳۵۲	۴۲۷۹	۱۳۶۶	۷۱۵۳	
۱۳۶۷	۱۷۱۶۰	۸۱۸۰	۱۳۶۸	۹۶۲۵	
۱۳۶۹	۳۰۹۱۸	۱۱۸۸۱	۱۳۷۰	۱۳۸۶۳	
۱۳۷۱	۵۴۶۷۰	۱۴۷۲۹			

این ارقام وقتی مفهوم خود را نشان می‌دهند که اهداف وصول درآمدهای مالیاتی را به نقل از جزوه «نظام جدید اخذ مالیات در ایران- تحقیق پرویز محمدی» از انتشارات معاونت امور اجتماعی سازمان برنامه و بودجه (خرداد ۱۳۷۴) مورد دقت قرار دهیم:

۱- مالیات یکی از منابع اصلی تأمین مالی دولت برای سرمایه‌گذاری (جاری- عمرانی) بوده و این امر به منظور کاهش سریع وابستگی درآمدهای دولت به نفت (سرمایه) و افزایش سریع این وابستگی به فعالیتهای تولیدی غیرنفتی انجام می‌پذیرد.

۲- اخذ مالیات عامل مهم جلوگیری از تکثر بی‌رویه ثروت در دست افراد، گروهها و موجبات تأمین عدالت اجتماعی خواهد بود.

در همین جزوه اولویت در اخذ مالیاتهای مستقیم بشرح زیر طبقه‌بندی شده است:

- الف- مالیات بردارآمدهای ناشی از ثروت و دارایی
- ب- مالیات بر ثروت مازاد بر احتیاج
- پ- مالیات بر حقوق و دستمزد (درآمد ثابت)
- ت- مالیات بردارآمدهای ناشی از کسب و کار (درآمد غیر ثابت)

بررسی روند رشد وصولی مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم و مالیات بر ثروت نشان می‌دهد اهداف فوق تا چه حد تحقق یافته است:

سیستم‌های طراحی شده بتواند ضمن رفع مشکلات مربوط به وصول خود نیز در برآورد و تشخیص مالیات مؤثر باشد مشکلات موجود در سیستم اجرایی نظام وصول مالیات را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- عدم شناخت مکانی و حقیقی و حقوقی منابع پرداخت‌کننده مالیات بطوریکه از یک نمونه یکصد نفری (حقیقی و حقوقی) انتخابی توسط شرکت ماشین‌های محاسب که مشمول پرداخت مالیات بوده‌اند فقط ۴۳ نفر از آنها دارای پرونده مالیاتی بوده و از ۴۳ پرونده اخیر به علت عدم دسترسی به اطلاعات مربوط به درآمد افراد، مالیات واقعی وصول نشده است.

۲- وجود فرصت برای استفاده از معافیت‌های مالیاتی با توجه به نبود سیستم یکپارچه در سطح کشور و عدم ارتباط کافی بین حوزه‌های مالیاتی.

۳- با توجه به وجود ۲۵ استان و استقلال هر یک از آنها در خصوص تشخیص مالیات، ملاحظه می‌شود برای فعالیتهای یکسان مأخذهای مالیاتی متفاوت برای تشخیص استفاده می‌شود.

۴- عدم ارائه دفاتر قانونی و یا نداشتن آنها منجر به تشخیص میزان مالیات توسط ممیزان و سایر کادر تشخیص براساس تخمین و نظر شخصی می‌شود.

۵- عدم آگاهی کادر تشخیص از ارتباط فعالیتهای اقتصادی و روابط بین تولید، توزیع و مصرف و در نتیجه عدم شنیدن فعالیتهای تولیدی در هنگام توزیع و فروش و مصرف و عدم دسترسی کادر تشخیص به منابع مالیاتی.

۶- عدم آگاهی کامل کادر تشخیص از بازده فعالیتهای اقتصادی و تشخیص (حتی بطور نسبی) درآمد و تعیین میزان مالیات.

۷- وجود ارتباط نزدیک و بدون واسطه بین مودی و کادر تشخیص در تمام مراحل رسیدگی.

۸- عدم برقراری ارتباط بین فعالیتهای تجاری، تولیدی و توزیعی و فروش یک مودی

۹- نبودن سازمان مستقل وصول مالیات و تصمیم‌گیریهای لازم در جهت بهبود سیستم وصول و کارآمد نمودن کادر تشخیص.

دیوار کدام گروه از مالیات دهندگان کوتاهتر است؟

می‌بینیم حتی در یک بررسی علمی عدم ناکامی در وصول مالیات به توده مردم و فقدان فرهنگ مالیاتی در بین آنها نسبت داده می‌شود. همان مردمی که به موجب آمارهای رسمی بیشترین سهم را در تأمین درآمدهای دولت از محل مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم دارند.

حتی اگر بپذیریم مردم ما فرهنگ مالیاتی ندارند، این سوال پیش می‌آید چرا مدیران دولتی فاقد فرهنگ پرداخت مالیات هستند؟

سخنان چند شخصیت مسئول را در این رابطه نقل می‌کنیم تا معلوم شود مسئول عدم کارآیی سیستم مالیاتی

درصد - ۴۰/۲ درصد - ۱۲/۶ درصد - ۱۵ درصد - ۱۹ درصد - ۱۴/۳ درصد و ۶ درصد

(لطفاً رقم ۲۷ درصدی رشد مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم در سال ۱۳۷۱ را رشد ۶ درصدی مالیات بر ثروت در همین سال را مورد توجه قرار دهید)

این ارقام از یک جهت معنای خاصی را می‌تواند تفهیم کند. در سالهای اخیر، و پس از اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی که امکان کسب ثروت و درآمد بیشتر شد، وصولی مالیات بر ثروت تا ۶ درصد (سال ۷۱ نسبت به ۱۳۷۰) تنزل یافته اما در سال ۷۰ وصولی مالیاتهای مستقیم نسبت به سال ۶۹ معادل ۳۹ درصد و در سال ۷۱ نسبت به سال ۷۰ معادل ۲۷ درصد رشد یافته است.

این است مفهوم برقراری عدالت اجتماعی از طریق وصول مالیات؟. خاصه این که شاهد بوده‌ایم در ۵ - ۶ ساله اخیر ثروت ثروتمندان با چه شتابی تکثیر یافته است!

مجموع درآمدهای مالیاتی دولت که در سال ۱۳۶۲ بالغ بر ۷۹۶/۵ میلیارد ریال بوده، در سال ۱۳۷۱ به ۴/۳۷۷۲/۴ میلیارد ریال افزایش یافته است. این افزایش را چه کسانی پرداخته‌اند؟ صاحبان ثروت‌های بادآورده یا حقوق‌بگیران و کسبه‌ای که باید مالیات حقوق و کسب را بطور مستقیم و اجباراً بپردازند، و انواع مالیاتهای غیرمستقیم را نیز خواهی نخواهی؟

در همین جزوه فصلی هم به بررسی مشکلات اجرایی در نظام وصول مالیاتی کشور اختصاص یافته و مهمترین دلایل آن به این شرح ذکر شده است:

«... در کشور ما متأسفانه تاکنون به علل مختلف (مذهبی، اجتماعی) وصول مالیات همچنان با مشکلات عمده‌ای مواجه می‌باشد و به اصطلاح در بین توده و عامه مردم فرهنگ مالیاتی بسیار پایین می‌باشد. لذا باید تعهدهای پیش‌بینی و به مرحله اجرا درآورده شود که

کشور عامه مردم هستند، یا کارگزاران دولت و صاحبان ثروت‌های هنگفت:

علیرضا رخشنده‌رو رئیس دیوان محاسبات:
«... تا سال ۷۱ دستگاه‌های تمایلی به باز پس دادن حساب و روشن کردن وضعیت دریافت و پرداخت خود نداشتند بطوری که در تهران ۳۴ درصد و در شهرستانها ۸۴ درصد حسابها رسیدگی و روشن شده و این وضعیت خوبی نیست، و این نکته در مورد شرکتهای دولتی نیز وجود دارد، به عنوان نمونه از ۴۰۰ شرکت دولتی که لیست آنها در قانون بودجه ذکر شده فقط ۵۴ شرکت حساب خود را ارائه کرده‌اند و در سالهای ۷۱ و ۷۲ اقدامات مؤثری در زمینه برخورد با دستگاههایی که از ارائه حساب خود طفره می‌روند انجام شده... در گزارش ترغیب بودجه سال ۷۱ از حسابرسی ۵۴ شرکت [از ۴۰۰ شرکت] حساب داده برمی‌آید که طبق قانون

بودجه باید شرکتهای دولتی در این سال ۱۶۵ میلیارد ریال سود داشته باشند در حالی که سود آنها طبق گزارش مجامع عمومی این شرکتها ۱۱۲ میلیارد ریال است... همچنین شرکتهای دولتی بند ۶ تبصره ۸ قانون مبنی بر اختصاص دادن یک درصد از سود خود به توسعه فنهای آموزشی را نیز رعایت نکرده و رقمی بسیار کمتر از ارقام پیش‌بینی شده را پرداخت کرده‌اند. از سوی دیگر این ۵۴ شرکت باید طبق قانون بودجه ۹۶ میلیارد ریال پرداخت می‌کردند، اما رقم پرداخت شده حدود ۲۰ میلیارد ریال، یعنی ۸۰ درصد

کمتر از میزان منسوب بوده است. (۷۲/۲/۱۲)

حجت الاسلام دری نجف‌آبادی (رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی):

در سال گذشته از هفت هزار و هشتصد میلیارد ریال درآمد مالیاتی، حقوق گمرکی و سود بازرگانی پیش‌بینی شده، فقط هفت درصد آن وصول شده است. (۷۲/۳/۲۲)

آقای خاموشی (نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی)

در سال ۷۳ جمع مصرف ارزی برای واردات از طریق سیستم بانکی ۸/۲ میلیارد دلار بوده در حالی که واردات کلای قاجاق بین ۷۵۲ میلیارد دلار برآورد شده است. اقتصادی که ۲۵ درصد حجم آن اقتصاد سایه است سیاستگذاری مجلس شورای اسلامی در این اقتصاد چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ (۷۲/۳/۲۲)

و روزنامه همشهری به نقل از یک منبع معتبر نوشته است:

«آمارهای سال ۷۳ نشان می‌دهد که در این سال نزدیک به ۲۲ هزار میلیارد ریال به نقدینگی کشور اضافه شده با این حال نظام مالیاتی کشور فقط توانسته کمتر از ۵ درصد تولید ناخالص ملی را به عنوان درآمد دولت کسب کند. (۱۳۷۲/۵/۲۲)

وقتی شرکتهای دولتی از پرداخت مالیات به دولت طفره می‌روند، وقتی گمرکات از وصول حقوق گمرکی و سود بازرگانی عاجز می‌ماند، وقتی ۴۵ درصد از اقتصاد کشور در سایه فعالیت می‌کند، آیا سزاوار است ما سطح نازل درآمدهای مالیاتی را ناشی از نبود فرهنگ مالیاتی در نزد عامه مردم بدانیم؟

آقای خاموشی اقتصاد سایه را ۴۵ درصد از حجم کل اقتصاد کشور دانسته است. خیلی‌ها معتقدند درصد



فنانان در اقتصاد سایه، یعنی کسانی که هنگفت‌ترین سودها را می‌برند بی‌آنکه دیناری مالیات بپردازند، بیش از رقم فوق است.

... و غیر سایه‌ای‌ها...

به جای بحث و مجادله بر سر رقم ۴۵ درصد بینیم گرداندگان اقتصاد غیرسایه‌ای با مقوله مالیات چگونه برخورد می‌کنند.

حکومت کنونی کشور اسلامی است؛ لذا نترسیدند بهانه‌های شرعی برای تیره‌اختن مالیات خصوصاً از جانب کسانی که ادعای حمایت از دولت اسلامی را می‌کنند، پذیرفتنی نیست. اینک گردش کار یکی از همین افسراد را به نقل از محیز مالیاتی مربوطه پی می‌گیریم. آنچه در زیر آمده شرحی است که خود این عزیز نوشته و اصل آن در دفتر ما مانده موجود است. ما

فقط اسامی و عنوانها را حذف کرده و به جای آن نقطه‌چین گذاشته‌ایم.

ممیز مزبور پس از تشریح اقداماتی مقدماتی که برای بررسی دفاتر یک مؤدی معمول است، نوشته:

«در تاریخ ۷۲/۹/۳۰ جهت بازدید به در مغازه آقای... رئیس صنّف... و رئیس سابق کمیته... و نماینده... رقوم که بعد از معرفی خودم از مؤدی خواستم دفاتری را که داشتند ثبت می‌نمودند در اختیارم بگذارند که این عمل انجام شد. من نیز اقدام به صورت‌برداری قسمتهائی از دفاتر وی نمودم. آقای... برگشت و به من گفت شما مرا می‌شناسید که چه کسی هستم؟ به ایشان گفتم: بله. گفت وقتی شما دفاتر من را می‌بینید مثل توهین می‌ماند وقتی به شما می‌گویم فروشم هر چقدر هست شما فقط باید پذیرید و بروید. حسابی در دفاتر ایشان بود که حدود ۱۴ میلیون تومان چک ثبت شده بود. من آن را یادداشت [کردم] که

ایشان فرمودند این حساب خمس و زکاتی است که از مردم گرفته‌ام و حتی من حق دارم تمام آن را خرج نمایم. به ایشان گفتم: چگونه حساب خمس و زکات باید در دفاتر خرید و فروش شما ثبت شده باشد؟ از وی خواستم میزان... موجود در مغازه را مشخص نمایند که اظهار داشتند حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ جفت است من نیز اقدام به شمارش... نمودم که حدود دو هزار جفت موجود بود. یادداشت کردم بعد نیز انبارهای وی را مشاهده و یادداشت کردم بعد که همراه پسر وی مجدداً به مغازه مؤدی مراجعه

شد وی شروع به تهدید من کرد و گفت خیلی‌ها از شما شکایت کرده‌اند. من به او گفتم هنوز در کل حوزه بیست نفر مرا نمی‌شناسند چگونه خیلی‌ها شکایت کرده‌اند؟ گفت من می‌گویم باید قبول کنی، می‌گویی من دروغ می‌گویم؟ گفتم نه فقط اشتباه می‌کنی. پسر وی نیز آتش‌باز معرکه شده بود مثل یک برنامه از پیش تعیین شده سعی داشتند مرا عصبانی کنند ولی موفق نمی‌شدند. آقای... برگشت و به من گفت برگت تحقیق را یک نسخه از آن را با خط خودت می‌نویس و می‌گذاری. گفتم طبق قانون این تحقیق من است و ارزشی ندارد. گفت بده کی می‌گیرم. گفتم نه. گفت میدهم... از تو بگیرد به او گفتم نامه بنویسید و ایشان دستور بدهند که طبق کدام قانون به شما بدهم. دیگر عصبانی شده و با ناراحتی گفت می‌دهم سر در وزارتخانه آویزان کن. هنوز به اداره نرسیده بودم که [دیدم] همه اداره دنبال من می‌گشتند

وقتی رسیدم متوجه شدم... به مدیرکل تلفن نموده و خواسته ظرف دو ساعت حکم مرا بزنند و رونوشت آن را نیز برایش بفرستند. وقتی نزد مدیرکل رفتم به جای اینکه از من حمایت کند گفت آنها قدرت دارند برگزیند تحقیق را می دادی و می آمدی. بعد از چند روز از طرف... مرا خواستند و ساعتها مرا مورد پرس و جو قرار دادند. یکماه و نیم از این مسئله گذشت و با سرمیز وقت جهت بازدید به حوزه رفتیم. وقتی آقای... مرا دیده بود تلفن را برداشته بود و... گفته بود یا... را برمی دارید یا حکمش را از... می گیرم که بنا به حکم اداره کل از آن حوزه مالیاتی به حوزه دیگری انتقال یافت.

۷۸۳۳۱۰۰ ریال مالیات تعیین کرده اند. این گونه تفاوتها در تشخیص و تعیین مالیات برای افراد یک صنف خود عاملی است که بهانه می دهد تا همه نسبت به مبلغ مالیات تعیین شده، معترض باشند. بخش مولد جامعه، یعنی صاحبان حرف و صنایع از منظری دیگر به مقوله مالیات می نگرند. این گروه ریسک سرمایه گذاری، زحمت و گرفتاری های پایان ناپذیر تولید را در برابر کارهای بی مسئولیتی نظیر دلالی می گذارند و با مقایسه درآمدهای کلان و بی مشقت این قبیل مشاغل با درآمدهای خود، همواره احساس غبن می کنند؛ و طبیعی است از انسانی که خود

حتی مؤسسات و شرکتهای دولتی به لطایف الحیل از پرداخت مالیات طفره می روند.

تنها همین مورد نیست که یک فرد متنفذ نگاه کردن یک ممیز به دفاترش را توهین، بلکه حتی گناه می داند. در این جا یک نکته مثبت هم هست و آن این که مودی مزبور لااقل پذیرفته که دفتر و دستکی داشته باشد. خیلی ها هستند که حتی دفتر و دستک داشتن را گناه می دانند، تا چه رسد به این که پای ممیز مالیاتی به حریم کار و کسب ایشان برسد!

اگر قرار باشد به تمام ناهنجاریها و ناروانی های حاکم بر سیستم مالیاتی که باید اهرم اصلی برنامه ریزی دولت برای توسعه باشد. بپردازیم، حکایت به درازا می کشد. برای پایان بردن این قسمت از گزارش بر نکته ای که حساسیت مالیات دهندگان را باعث شده انگشت می گذاریم و امیدواریم اهل فهم و علاقه دریابند چرا عده ای از فعالین اقتصادی از پرداخت مالیات اکراه دارند.

جدولی در اختیار ما قرار دارد که میزان مالیات تعیین شده برای تعدادی از نمایشگاههای اتومبیل تهران در آن ثبت است. در این جدول نام نمایشگاه، نام صاحب آن، مساحت آن و تعداد اتومبیل موجود در آن هنگام بازدید ممیز ذکر شده است. ظاهراً ملاک تعیین مالیات در درجه نخست مساحت نمایشگاه و موقعیت محلی و نیز تعداد و نوع اتومبیل در آن بوده است. در مرحله بعد درجه بندی حوزه اتحادیه ملاک عمل است. در این لیست می خوانیم برای دو نمایشگاه واقع در شمال خیابان شریعتی دو رقم مالیات قطعی تعیین شده که با هیچ یک از موازین عقلی قابل تطبیق نیست. برای یکی از این دو نمایشگاه که ۵۰۰ متر مربع وسعت دارد و در آن ۳۰ دستگاه اتومبیل خارجی وجود داشته ۴۷۳۳۶۸۰ ریال مالیات تعیین کرده اند. برای نمایشگاه دوم که اتفاقاً از نظر مکانی نسبت به اولی امتیاز کمتری دارد و مساحت آن هم ۲۰۰ متر کمتر از نمایشگاه اولی است و فقط ۱۲ دستگاه اتومبیل خارجی داشته

را مغفون می داند، نمی توان به راحتی مالیات دریافت کرد.

نگاه دیگران به مقوله مالیات

بسیاری از صاحبان ثروت و مکنند در کشور ما پرداخت مالیات را نوعی باج دهی می دانند و لذا به هر ترفندی متوسل می شوند تا مالیات نپردازند، و یا هرچه ممکن است کمتر بپردازند.

نظام مالیاتی ما نیز چنان بوده و هست که در زمینه پرداخت مالیات مفهوم ضرب المثل هرکه بهامش بیش برفش بیش، را محکوم کرده است. در واقع هرکس درآمد بیشتری دارد، نسبت به امتیازات و مواهبی که نصیب می برد، مالیات کمتری می پردازد.

برای درک این حقیقت، اهل فن باید بنشینند و مجموع مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم صاحبان درآمدهای ثابت را با یک سرمایه دار مقایسه کنند. پیشنهاد می کنیم مجموع پرداختهای مستقیم و غیرمستقیم (مالیات و عوارض) شخصی که ماهی ۳۰ هزار تومان (سالی ۳۶۰ هزار تومان) حقوق دارد با مجموع همان پرداختی ها از جانب فردی که سالی ده میلیون تومان سود خالص به جیب می زند مقایسه شود. مطمئناً نتیجه چنان شگفت انگیز خواهد بود که اهل فن اذعان خواهند کرد برای سامان دهی به نظام مالیاتی کشور لازم است قبل از آن که درصدد اجرای برنامه هایی نظیر دادن کد اقتصادی و اجباری کردن استفاده از آن باشیم، باید دیدگاههای مدیران را در مورد مقوله مالیات تغییر دهیم.

به دیدگاههای رایج در یک کشور که از لحاظ نظام مالیاتی نمونه و ضرب المثل است توجه کنیم:

مالیات مهمترین منبع درآمد حکومتها برای تأمین هزینه ها و انجام وظایفی است که در راستای حفظ منافع در جامعه مدرن بشری بر عهده آنها گذاشته شده است. با

پیشرفت جوامع و ایجاد نظام های سیاسی دموکراتیک و مبتنی بر انتخاب آزاد مردم، تبعیضات ناشی از وابستگی طبقاتی، مذهبی، نژادی و... در دریافت مالیات هر روز بیش از پیش کم رنگ تر شد و نظام مالیاتی هرچه بیشتر به سمت چارچوبی گرایش یافت که براساس آن هر یک از احاد جامعه به همان نسبتی که از مزایای جامعه منتفع می شوند در تأمین هزینه های آن نیز سهیمند. کاهش تدریجی مالیاتهای غیرمستقیم و جانشین شدن آنها با مالیاتهای مستقیم (انواع مالیات بر درآمد، ثروت و...) گامی مهم و ضروری در این راستا بوده است. نظام مالیاتی آلمان هم از جهت تنوع و پیچیدگی و هم به دلیل رجحان آشکار مالیات مستقیم بر غیرمستقیم در این نظام، نمونه کاملی است...^(۱)

این تفکر را بگذاریم در کنار تفکر رایج در کشور خودمان که علاوه بر انواع مالیاتهای غیرمستقیم، شهرداریها به نوعی مردم را سرکبه می کنند، و هر دستگامی که کم می آورد با گذاران یک مصوبه کمبودهای خویش را از کیسه کم درآمدترین قشرهای اجتماعی تأمین می کند. به عنوان نمونه همزمان با ایجاد مدارس غیرانتفاعی و نمونه مردمی (حذف تدریجی آموزش رایگان) قانونی هم تصویب می شود که دو درصد از بهای کالاها و خدمات به نفع وزارت آموزش پرورش از مصرف کننده اخذ شود. (یعنی باری تازه بر گردۀ توده مردم که از طریق دریافت انواع مالیاتهای غیرمستقیم دوشیده می شوند گذاشته شده است.)

اگر بپذیریم که نظر محقق جزوه نظام جدید اخذ مالیات در ایران، مبنی بر این که فرهنگ مالیاتی توده و عامه مردم در سطح نازلی قرار دارد، صحیح است باید این نکته را هم بپذیریم که فرهنگ مالیات بگیران کشور ما نیز چندان بالا و قابل دفاع نیست.

همان محقق می نویسد:

نسبت وصول مالیات به تولید ناخالص داخلی در دوران جنگ حداکثر ۶/۸ درصد بوده و حال آنکه بعد از جنگ تحمیلی و افزایش فعالیتهای اقتصادی حداکثر ۵/۸۶ درصد و در سال ۱۳۷۲ معادل ۴/۳۳ درصد بوده است و این امر در حالی است که نسبت وصول درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در سایر کشورها مانند ترکیه ۱۰/۷ درصد، پاکستان ۱۲/۷ درصد، هند ۱۰/۹ درصد، مصر ۲۴/۳ درصد می باشد و این امر و کلیه اطلاعات فوق نشان می دهد که در کشور ما میزان مالیات وصولی بسیار کم و ظرفیت مالیاتی می تواند چند برابر وصولی فعلی باشد

اما وصولی از چه کسانی و چه اقشاری؟ آیا باز هم از طریق وضع مالیاتهای غیرمستقیم و از طریق توده مردم؟

نباید تردید داشت که اکثریت مردم دیگر توان هیچگونه پرداختی را ندارند. طبقه متوسط در صورت ادامه روند فعلی اوضاع اقتصادی در آینده ای نه چندان

دور به روزگار طبقه فقیر در خواهد آمد. پس برای دستیابی به درآمد واقعی و مطلوب مالیاتی باید در پی اصلاح دیدگاهها در برنامه‌ریزان کشور، و اصلاح ساختار نظام مالیاتی کشور، و حتی دگرگون کردن آن بود.

دولتمردان ما باید بپذیرند از کف دست نمی‌توان موکند. وضع درآمد اقشار فرودست و متوسط به مرحله‌ای رسیده است که دل بستن به افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق آنها را غیرممکن کرده است، اکنون زمان آن رسیده که به سراغ بدهکارترین اقشار جامعه برویم. به سراغ آنها که درصد محدودی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اما عمده ثروت کشور نزد آنها متمرکز است.

کُد اقتصادی دردی را دوا می‌کند؟

به یک خبر توجه کنیم:
گلوریا واندربیلت طراح هفتاد و یک ساله آمریکایی تمامی ثروت خود را در چشم برهم زدن از دست داد. این خانم که با طراحی لباس‌های تازه ثروت هنگفتی اندوخته بود حدود سه میلیون دلار مالیات عقب افتاده داشت که روز ۲۳ ژوئن (دوم تیرماه سال جاری) اداره مالیات بر درآمد آمریکا تمامی ثروت او از جمله خانه مسکونیش را بابت این بدهی و بهره آن توقیف کرد. در آمریکا خودداری از پرداخت مالیات گناهی نابخشودنی است، و پرداخت ب موقع مالیات یک امتیاز

اخلاقی و منی محسوب می‌شود که حتی گاهی در انتخابات کنگره و ریاست جمهوری، در موفقیت یا شکست کاندیدها اثری تعیین کننده دارد. پرداخت مالیات نه فقط در آمریکا، بلکه در بسیاری کشورها شاخص اصلی تعهد افراد به وظایف ملی و اجتماعی ایشان است.

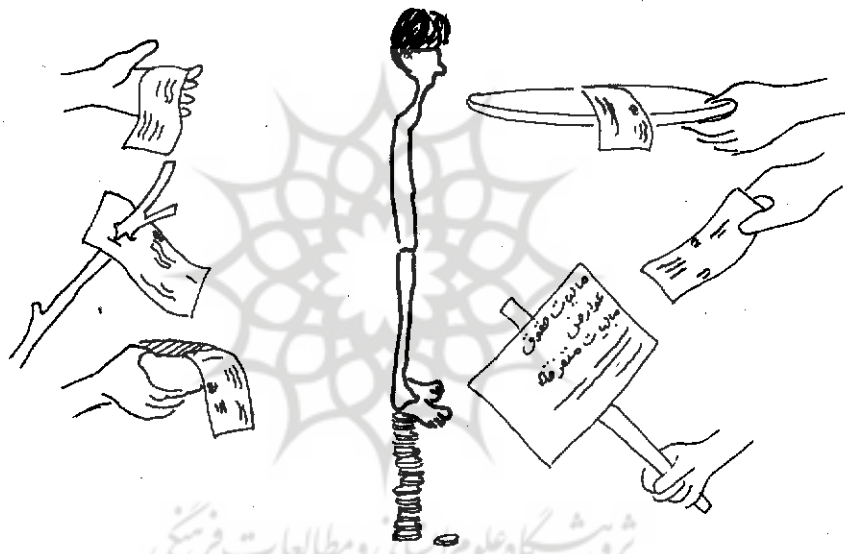
توسل به صاحبان نفوذ برای فرار از پرداخت مالیات، قلب در دفاتر مالیاتی، صورتحساب‌سازی و فعالیت اقتصادی در سایه، در تعدادی از این کشورها نه یک تخلف، که نوعی خیانت تلقی می‌شود.

آن کشورها هم مواد اولیه برای صادرات دارند و می‌توانند دخل و خرج خود را با زدن چوب حراج بر منابع طبیعی ملی خود متوازن کنند، اما نمی‌کنند. خرج دولت‌ها را مردم تأمین می‌کنند، منتهی هر شخص و طبقه‌ای به فراخور درآمد و ثروت خویش.

پس از پیروزی انقلاب امید بر این بود که از منابع طبیعی فقط در جهت تسریع در رشد اقتصادی کشور بهره‌برداری شود. اما اینک علاوه بر روند رو به تشدید بهره‌برداری از ثروت‌های ملی برای گردش امور مالی دولت، چند سالی است با پدیده نشر بی‌رویه اسکناس که عامل اصلی تورم محسوب می‌شود، نیز مواجهیم.

برای پی بردن به ریشه‌های تورم خیلی‌ها، خیلی دلایل را ذکر کرده‌اند، اما همیشه اشاره کم‌رنگی به نقش تحقق نیافتن پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی دولت در این روند شده است.

وقتی درآمدهای مالیاتی تحقق نیابد یک راه جبران آن استسرافاز سیستم بانکی است. راه دیگر نشر اسکناس بی‌پشتوانه، راه سوم فروش گرانتر ارز حاصل از صادرات مواد اولیه به ویژه نفت و... و چه کسی است که به سرنوشت کشور علاقمند باشد و بتواند تلمخی این



تجارب را نادیده بگیرد؟

می‌دانیم اکنون وزارت امور دارائی و اقتصادی به اجرای طرح کد اقتصادی در راستای وصول مالیات دل بسته است. ولی آیا اجرای این برنامه می‌تواند موجب استیفای حقوق دولت و ملت شود؟

در کشوری که فرار از پرداخت مالیات نوعی افتخار محسوب می‌شود و نه تنگ، و در اقتصادی که ۴۵ درصد فعالیت‌های آن در سایه انجام می‌گیرد و صدها میلیارد تومان سود بادآورده در جانی ثبت نمی‌شود، دادن کد اقتصادی به افراد چه اثری می‌تواند داشته باشد؟

هم اکنون افرادی هستند که سوار بر اتومبیل در بزرگراه‌ها می‌رانند و از طریق تلفن موبایل معاملات دهها میلیونی انجام می‌دهند. به اوج موبایل می‌توان کد اقتصادی داد؟

تحقق عدالت اجتماعی، رفع تنگناهای مالی

دولت، به حرکت در آمدن چرخ‌های اقتصادی و مهار زدن بر تورم مستلزم استقرار یک نظام کارآی مالیاتی است.

این نظام زمانی قابل دسترسی است که سطوح بالای مدیریت جامعه درک کنند مالیات غیرمستقیم در نظام مالیاتی یک ابزار زنگ خورده و بی‌اثر است، و فقط مستقیم کردن هر چه بیشتر مالیات‌ها می‌تواند مؤثر و کارساز باشد.

همراه این تغییر در باورها، باید باور دیگری را نیز در سطح ملی جا انداخت. این باور که پرداخت مالیات حقه دولت فریضه‌ای مذهبی و ملی است که هر کس از آن تخطی کند شایسته تنگ و رسوائی، و مستحق تحمل سنگین‌ترین مجازات‌هاست.

باید همه ابزارهای مذهبی- فرهنگی و عقیدتی به کار گرفته شود تا این باور بر جامعه حاکمیت یابد و از طرفی، دستگاه متولی وصول مالیات از هرگونه توصیه‌پذیری و اعمال استثناء معاف شود و در عوض ابزارهایی در اختیارش قرار گیرد تا بتواند فعالین در اقتصاد سایه را شناسایی کند و حق دولت و ملت را از حلقوم ایشان بیرون بکشد.

در همان جزوه «نظام جدید اخذ مالیات در ایران» چند پیشنهاد برای ایجاد تحول در شیوه تشخیص درآمد اشخاص و وصول مالیات از آنها ارائه شده که به نظر می‌رسد می‌تواند تا حد زیادی در تحقق عدالت مالیاتی مؤثر باشد و لذا گزارش را با نقل همین پیشنهادات به پایان می‌بریم.

سیستم‌های اطلاعاتی گردش پول، کالا و خدمات

این گروه از سیستم‌ها وظیفه اطلاع رسانی از فعالیت‌های اقتصادی اشخاص را به کادر تشخیص مالیاتی عهده‌دار می‌باشد. بطور کلی در ممالک پیشرفته فعالیت‌های اقتصادی اشخاص جهت تعیین میزان درآمدهای آنها در سیستم‌های مکانیزه ضبط نمی‌گردد بلکه نظام اقتصادی به گونه‌ای است که در صورت نیاز می‌توان با درصد اطمینان بالایی به درآمد واقعی اشخاص دسترسی پیدا نمود. و چون افراد جامعه به این موضوع وقوف حاصل نموده‌اند فرهنگ لازم جهت ارائه اظهارنامه‌های مالیاتی شکل واقعی خود را پیدا نموده و دولت بطور معمول توسط خود اشخاص اطلاعات درآمدی مورد نیاز را دریافت نموده و برآن اساس مالیات‌های متعلقه را محاسبه و دریافت می‌کند در

ضمن اینکه با استفاده از سیستم‌های هوشمند مکانیزه اظهارنامه‌هایی که احتمال تقلب در آنها وجود دارد را انتخاب و نسبت به بررسی و ممیزی دقیق اسناد و مدارک آنها اقدام می‌نماید که در صورت احراز، جریمه‌های سنگین و زندان در مورد این اشخاص اعمال می‌شود. در کشور ما به علل ریشه‌های فرهنگی عمده‌تاً با اظهارنامه ارائه نمی‌شود و با اظهارنامه‌های ارائه شده از صحت و دقت لازم برخوردار نیست و از طرفی چون کادر تشخیص به اطلاعات مورد نیاز جهت تعیین مالیات عادلانه دسترسی ندارد و همچنین ضوابط یکنواختی نیز برای تعیین مالیات برای موارد مشابه در سطح ادارات کل وجود

دیوار حقوق‌بگیران کوتاه‌ترین دیوار در بین مضمولان پرداخت مالیات است.

گردد.

ندارد، علاوه بر اینکه مالیات حتی دولت نمی‌تواند دقیقاً مشخص و وصول گردد نارضایتی مردم را نیز به علت یکنواخت نبودن میزان مالیات در موارد مشابه به دنبال دارد. از طرف دیگر راه برای اعتراض مودیان مالیاتی باز بوده و موجب تلف شدن منابع انسانی و مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌گردد. با توجه به توضیحات فوق می‌بایستی فرهنگ مالیاتی را به طریق شکل داد که مودیان به این نکته اذعان پیدا نمایند که کادر تشخیص وزارت امور اقتصادی و دارایی به فعالیتهای اقتصادی آنها آگاهی داشته و در صورت کتمان درآمدها، موضوع کشف و جرائم سنگین به دنبال خواهد داشت. لذا یکی از طرفی که می‌توان این فرهنگ را در سطح ملی بوجود آورد اجرای سیستمهای اطلاعاتی گردش پول، کالا و خدمات در سطح عمده می‌باشد...

این گروه از سیستم‌ها از سالها پیش مورد توجه مسئولین معاونت درآمدهای مالیاتی بوده و در هنگام شروع مکانیزه نمودن سیستم‌های مالیاتی عنوان گردش پول، کالا و خدمات از طرف وزیر محترم وقت امور اقتصادی و دارایی مطرح و به این گروه از سیستم‌های بعدی اقتصادی، علمی و فنی بخشید.

نقاط کلیدی که برای جمع آوری اطلاعات فعالیتهای اقتصادی اشخاص تاکنون مطرح شده است عبارتند از:

گمرک کشور (سیستم واردات و صادرات مودیان مالیاتی) این سیستم از طریق اظهارنامه‌های گمرکی تغذیه شده و فهرستی از واردات و صادرات را به تفکیک هر بازرگان مهم از حقیقی و حقوقی برای عملکرد هر سال مالیاتی تهیه می‌نماید.

در این سیستم علاوه بر فعالیت بازرگانان، میزان فعالیت حق‌المسلکاران گمرکی نیز مشخص و تعیین

می‌شود.

ذیحصایی‌ها (سیستم معاملات ذیحصایی‌ها)

با توجه به اینکه معاملات در سطح وسیع و با مبالغ سنگین بین دولت و بخش خصوصی یا نیمه دولتی انجام می‌گیرد، جمع آوری اطلاعات اینگونه از معاملات از طریق ذیحصایی‌های سازمانهای مختلف می‌تواند منبع اطلاعاتی مناسبی برای کادر تشخیص باشد. مطابق برنامه مقرر است اطلاعات ذیحصایی‌ها براساس فرمهایی که توسط شرکت ماشینهای محاسب طراحی گردیده در آخر هر ماه از طریق اداره کل اطلاعات و خدمات مالیاتی دریافت و به شرکت ماشینهای محاسب ارسال

را در طی سال عملکرد تعیین و در اختیار کادر تشخیص قرار داد. این سیستم همچنین قادر خواهد بود، مالکین و فعالیت‌ساز و بفروشها را نیز مورد شناسایی قرار دهد. شهرداری تهران اطلاعات مربوط به پروانه‌های ساختمانی را مکانیزه نموده و لذا می‌توان با هماهنگی اطلاعات مورد نیاز را روی ابزار مغناطیسی از شهرداری تهران دریافت و مورد بهره‌برداری قرار داد.

دادگستری (دریافت اطلاعات از تعبر مصرفی وکلا و کارشناسان دادگستری)

این سیستم بطور ضمنی می‌تواند میزان فعالیت وکلا و کارشناسان دادگستری را تعیین و در اختیار کادر تشخیص مالیاتی قرار دهد.

مؤسسات حمل و نقل (سیستم بارنامه)

اطلاعات حاصل از فرمهای بارنامه نشان دهنده جابجایی کالا بین شهرهای مختلف می‌باشد که براساس آن فروشنده، خریدار و میزان کالای منتقل شده مشخص و به حوزه‌های مالیاتی فرستنده و گیرنده کالا منعکس خواهد گردید.

تعاونی‌های بزرگ مصرف (سیستم خرید تعاونی‌های مصرف)

با توجه به اینکه خرید تعاونی‌های مصرف در سطح عمده انجام می‌شود می‌توان از این طریق به اطلاعات فعالیتهای عمده‌فروشان دسترسی پیدا نمود و نتایج حاصل از پردازش اطلاعات ذخیره شده را در اختیار کادر تشخیص قرار داد. جهت موفقیت در اجرای این سیستم، اولاً نیاز به مطالعاتی جهت شناسایی و انتخاب تعاونی‌هایی می‌باشد که در سطح وسیع فعالیت می‌نمایند. ثانیاً در این مطالعات بایستی کالاهایی را که اولویت بیشتری برای جمع آوری اطلاعات آنها می‌باشد مشخص نمود. ثالثاً با هماهنگی وزارت تعاون نسبت به دریافت اطلاعات خریدهای تعاونیهای مصرف انتخاب شده اقدام نمود. تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشده است.

با مطالعات عمیق‌تر می‌توان مراکز کلیدی دیگری را نیز در چرخه پول، کالا و خدمات شناسایی و اطلاعات مورد نیاز کادر تشخیص را جمع آوری نمود ولی آنچه در این طرح بایستی مورد توجه دقیق‌تری قرار گیرد، مشخص کردن این نقاط با توجه به ارتباط بین آنها و توجیه اقتصادی بازرگانی و مالیاتی آنها می‌باشد بطوریکه با کمترین هزینه و کوتاه‌ترین زمان مفیدترین اطلاعات برای کادر تشخیص فراهم گردد.

۱- دانستنیهای اقتصادی از جمهوری فدرال آلمان، شماره ۷۴/۶

کارخانجات تولیدی بخش دولتی و خصوصی (فروشهای عمده کارخانجات)

جمع آوری اطلاعات فروشهای عمده کارخانجات تولیدی (اهم از مواد اولیه کالای نیمه ساخته، کالای تکمیل شده) علاوه بر اینکه میزان فروش کارخانجات ذیربط را مشخص می‌نماید منبع بسیار مناسبی برای بدست آوردن درآمدهای خریداران بوده در ضمن اینکه براساس فروش یک کارخانه تولیدی می‌توان به حدود خریدهای مواد مورد نیاز جهت ساخت تولیدات آن کارخانه که از منابع دیگری انجام گرفته دسترسی پیدا نمود و گزارشات حاصله از فروش کارخانجات مختلف را توسط کامپیوتر کنترل نموده و از نتایج آن به موارد گزارش نشده دسترسی پیدا نمود و مبنایی برای رسیدگی و ممیزی فراهم نمود.

بانکها (دریافت اطلاعات از بانکها)

بانکها به عنوان مراکز جریان پول در کشور می‌توانند نقش بسیار مهمی را در ارائه اطلاعات ایفا نمایند ولی با توجه به ابعاد دیگر اقتصادی در کشور امکان دریافت بسیاری از اطلاعات از بانکهای کشور محدود می‌باشد ولی ضمن اصلاح قوانین مربوط و با هماهنگی‌های لازم می‌توان اطلاعاتی در رابطه با ارز و یا اعتباراتی که بانکها به اشخاص حقیقی و حقوقی ارائه می‌دهند را دریافت و از نتایج حاصل اطلاعات مورد نیاز کادر تشخیص را استخراج و در اختیار قرار داد.

شهرداریها (دریافت اطلاعات پروانه‌های ساختمانی)

از طریق شهرداریها با وصول پروانه‌های ساختمانی صادره می‌توان میزان فعالیت مهندسين ناظر و محاسب